

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسجد الأقصى و طرح یهودسازی قدس؛ مسئولیت مسلمانان چیست؟



(قسمت دوم)

در این قسمت از موضوع، قسم دوم آن را مورد بحث قرار می‌دهیم و آن عبارت از: تحقق نخستین بشارت فتح بزرگ در زمان عمر فاروق رضی الله عنه است. قبل از این که از تحقق این بشارت بزرگ سخن بعمل آوریم، لازم است که تذکر دهیم: الله سبحانه و تعالی در معتقدات و احکام این امت برای این مسجد جایگاه بزرگی قرار داده است. از مقام و منزلت آن همین بس که الله سبحانه و تعالی در معجزه اسراء و معراج؛ خبر فتح آن را تقریباً هفده سال پیش بشارت داده بود و بشارت فتح آن مقترن با بشارت فتح مسجد الحرام بوده است. هم چنین نشانه دیگر از منزلت والای آن؛ مختص قرار دادن آن برای قصد مسافرت در کنار مسجد الحرام و مسجد النبوی است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (رواه بخاری)

ترجمه: قصد سفر نکنند جز بسوی سه مسجد: مسجد الحرام، این مسجد خودم و مسجد الاقصی.

طبرانی از ابی الدرداء روایت می‌کند که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِمِائَةِ صَلَاةٍ، وَالصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي بِأَلْفِ صَلَاةٍ، وَالصَّلَاةُ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ بِخَمْسِ مِائَةِ صَلَاةٍ»

ترجمه: یک نماز در مسجد الحرام برابر به صد نماز و یک نماز در مسجد من برابر به هزار نماز و یک نماز در مسجد الاقصی برابر به پنج صد

نماز می‌باشد.

قصد مسافرت به آنجا بدین معناست که همیشه قلوب مسلمانان برای زیارت و ادای نماز در آنجا مشتاق و وابسته می‌باشد و نیز بدین معناست که مسلمانان می‌توانند در امن و امان در اطراف و اکناف آن و همچنین در مسیر آن سفر کنند، و این بدین معناست که مسجدالاقصی و قدس تحت حاکمیت اسلام و حمایت آن یعنی در امان مسلمانان باقی می‌ماند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از وفات‌شان در حالی که در بستر آخرین مریضی شان قرار داشتند، وصیت کردند که لشکریان بسوی سرزمین شام به قیادت أسامه بن زید رضی الله عنه روان شوند. این بدان خاطر بود تا وی، راه پدرش زید بن حارثه رضی الله عنه را که در غزوه موته شهید شد، به پایه اکمال برساند، به زید دستور داده شده بود که باید به منطقه الداروم وینا در فلسطین و به سرزمین البلقاء با لشکر سوارة خود برسد. رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمودند، در حالی که می‌فرمودند: «جریان و مقصود فرستادن أسامه بن زید را تنفیذ نمایید...! جریان و مقصود فرستادن أسامه بن زید را تنفیذ نمایید!» با آن که شرایط سختی وجود داشت و مرتدان از اسلام بدنه دولت را از هر سو می‌خوردند، ابوبکر صدیق وصیت و سفارش رسول الله صلی الله علیه وسلم را عملی نمود. سپس لشکریان چهارگانه را تهیه دید و لشکریان برای فتوحات روانه شدند، از جمله سه فرمانده؛ ابوعبیده بن جراح، شرحبیل بن حسنه و یزید بن ابی سفیان بسوی سرزمین شام حرکت نمودند و عمرو بن العاص بسوی بیت المقدس و خالد بن ولید بسوی فارس و عراق. ابوبکر صدیق رضی الله عنه وفات نمود، در حالی که فتح بزرگ با وجود فتوحات و پیروزی‌های فراوان در شام و عراق به پایه اکمال نرسید. این پیروزی‌ها قبل از فتح بیت المقدس با پیروزی تاریخی و سرنوشت‌ساز در جنگ یرموک در 5 رجب 15 هجری - اوت 636م به اوج خود رسید. یعنی حدود دو ماه قبل از فتح قدس؛ به گونه که راه را برای فتوحات جدید در شام و فلسطین باز کرد.

لشکر اسلام تحت قیادت و فرماندهی عمرو بن العاص بسوی فلسطین حرکت نمود. در این لشکر بر علاوه سربازان دیگر؛ چهار هزار تن از اصحاب کرام حضور داشتند و بعد از فتح قسمت اعظم سواحل فلسطینی، شهر قدس را محاصره کردند و این واقعه بعد از جنگ سرنوشت ساز یرموک اتفاق افتاد، به گونه‌ای که شأن و شوکت رومیان درهم شکست و به یک شکست ناگواری مواجه شدند. جنگ یرموک راه را برای فتح مناطق باقی مانده شام باز کرد، همانگونه که راه را برای فتح قدس باز کرد. محاصره قدس حدود چهار ماه طول کشید، عمر فاروق رضی الله عنه زمانی که دید محاصره طولانی گشته است، به ابوعبیده نامه‌ای نوشت و او را بسوی قدس فراخواند و در آن نامه آمده بود که: «از بنده الله عمر بن الخطاب به مأمورش ابوعبیده در شام: اما بعد؛ ثنا وستایش الله را می‌گویم و برای نبی آن درود می‌فرستم؛ در نامه‌ات آمده است که بسوی کدام جهت حرکت کنی؟... من بعد از آنکه از پسرعموی رسول الله صلی الله علیه وسلم، "حضرت علی رضی الله عنه" مشوره نمودم؛ وی برایم مشوره داد که تو باید بسوی بیت المقدس حرکت کنی و الله سبحانه و تعالی آن را با دستانت فتح می‌کند، والسلام». بعد از آنکه نامه بدست ابوعبیده رسید و وی قیادت و فرماندهی لشکر را بدست گرفت، مسیحیان داخل شهر تسلیم شدند؛ زیرا بعد از شکست رومیان در یرموک دیگر برای شان کدام پشتیبانی وجود نداشت. در نتیجه به تاریخ 13 رمضان سال 15 هجری موافق به 18 اکتبر سال 636م. قدس فتح شد و حضرت عمر فاروق کلیدهایش را از فرمانده آن صفرینیوس کبیر مسیحی تسلیم شد و برای شان عهد و پیمانی نوشت که بنام عهد و پیمان عمری نام‌گذاری شد و در آن طبق روایت طبری آمده است که: «بسم الله الرحمن الرحیم، این امان‌نامه‌ای است که بنده الله عمر امیرالمومنین به مردم ایلیاء داد، برای جان‌ها و اموال‌شان، برای کلیساهای و صلیب‌ها، برای صحتمندان و بیماران و برای سایر مردم امان داد؛ کلیساهای شان مسکونی و یا منهدم نخواهد شد و حتی از آن‌ها و فضاهای آن‌ها کاسته نخواهد شد و نه هم از صلیب‌های شان و نه هم از اموال شان و به دین شان مجبور نخواهند شد و هیچ یک از آنان مورد اذیت قرار نخواهند گرفت و هیچ یک از یهودیان با آنان در ایلیاء سکونت نخواهد کرد و باید که مردم ایلیا مانند مردم مدائن جزیه پردازند...»

فتح بزرگ بیت المقدس محقق شد و بیت المقدس جزء شهرهای بزرگ اسلام گردید و مسلمانان از تمام سرزمین‌های اسلامی بسویش قصد سفر می‌کردند. مسلمانان مسجدالاقصی را آباد کردند و تمام مظاهر و علائم کفر، شرک و پلیدی را زدودند و خود حضرت عمر فاروق رضی الله عنه

در این کار بزرگ سهیم شد. بهترین صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم در خاک اقصی و اطراف و اکناف مبارک آن در عمواس و اجنادین و قیساریه و در حومیه‌های قدس به شهادت رسیدند. تعدادی از آنان در بیت المقدس و قدس اقامه گزیدند و در آنجا وفات نمودند که به عنوان مثال می‌توان از برخی از آنان یادآور شد: شداد بن اوس در قدس وفات نمود، عباده بن الصامت که قضاوت را بدست گرفت و در قدس وفات نمود و در آنجا دفن گردید. أسامه بن زید که در رمله جنوب فلسطین وفات کرد، وائله بن الاسقع، فیروز الدیلی و دحیه الکلبی که در قریه الدحی که بنامش مسمی شد، وفات کرد. عبدالرحمن بن غنم الاشعری و علقمه الکنانی، اوس بن الصامت که در قدس دفن شد، مسعود بن اوس، سلام بن قیس الحضرمی، مالک بن عبدالله الخثعمی ابوریحانه النصاری و تعداد زیاد دیگری که در قدس سکونت گزیدند و در آنجا وفات کردند. مسلمانان در عصر صحابه در سال‌های نخست پس از فتح در قدس زندگی نمودند و به تعقیب کسانی که آنجا را با نوشیدن جام شهادت بوسیله خون‌های خود پاک و مصفا گشتاند آنان نیز آنجا را با جان‌های خود پاک و مصفا گشتاندند. و آیات سوره الإسراء در لحظاتی از شب و روز در اطراف و اکناف آن خوانده می‌شد و از تمام سرزمین‌ها؛ گروه‌های از مسلمانان به آنجا تشریف می‌آوردند و این استجابتی بود برای این نداء رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» رواه الامام البخاری

ترجمه: قصد سفر نکنند جز بسوی سه مسجد: مسجد الحرام، این مسجد خودم و مسجد الاقصی.

اوضاع به همین منوال ادامه داشت تا سرانجام مسلمانان به نخستین شکست در عهد صلیبیان مواجه شدند و این مبحث را در بخش بعدی بیان خواهیم نمود.

نویسنده: حمد طبیب

مترجم: محمد مزمل